



۲.....	مقدمه
۳.....	بررسی احتمالات مفهوم «میسر»
۳.....	دلیل احتمال اول
۴.....	دلیل احتمال دوم
۴.....	شاهد اول: سیاق آیه
۶.....	شاهد دوم: روایات
۶.....	۱- روایت ابی الجارود
۷.....	۲- روایت عبدالله بن جندب
۷.....	۳- روایت اسماعیل جعفی
۷.....	۴- روایت ابو بصیر
۸.....	۵- روایت عبدالله بن جندب
۸.....	۶- روایت عبد الملک قمی
۸.....	۷- روایت ابراهیم بن عنبسه
۹.....	۸- روایت علی بن جعفر العریضی
۹.....	بررسی روایات
۱۰.....	مناقشات سندی
۱۰.....	یادآوری بحث اصولی
۱۲.....	قول مختار



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

مقام اول در بحث قمار، لعب با آلات قمار همراه با بردوباخت بود که قدر متیقن حرمت تکلیفی وضعی قمار است.

در طرح ادله، ابتدا به آیات پرداختیم آیه ۲۱۹ سوره بقره اولین آیه بود و دومین آیه، آیه ۹۰ سوره مائده است آیه شریفه ۹۰ سوره مائده که به این ترتیب بود، «اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم يا ايها الذين امنوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ» بقره ۲۱۹ دو سه آیه بعد هم ادامه همین مبحث بود اما استدلال اصلی به این آیه شریفه بود «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ».

در این آیه شریفه ما هشت نکته را ذکر کردیم بعد از بیان مقدمه که بحث لغوی و روایی بود در مطلب نهم گفته شد سه احتمال در میسر به کار رفته در آیه شریفه وجود دارد.

۱- احتمال اول اینکه میسر به معنای عمل قمار باشد کار و رفتاری که از متقامرین صادر می شود.

۲- احتمال دوم این بود که میسر به معنای ابزار و ادوات و آلات قمار باشد مثل شطرنج، مهره ها و انواع متعدد از اموری که با بازی قمار آن ها انجام می شود.

۳- احتمال سوم این بود که میسر به معنای جامع یا به نحو مشترک لفظی استعمال شده باشد یعنی میسر در هر دو معنا استعمال شده باشد.

گفتیم که میسر به معنای مال مورد بردوباخت حتماً مجازی است. به معنای عمل قمار حتماً حقیقی است؛ و به معنای آلات قمار محل تردید بود که آیا به حدی رسیده است که بگوییم معنای جدید و حقیقی است یا در حد مجاز است؟

باید دید که برای هر یک از این سه احتمال چه دلیلی وجود دارد و می شود یکی از این ها را انتخاب کرد یا اینکه حالت مردد باقی می ماند؟



بررسی احتمالات مفهوم «میسر»

۱- احتمال اول اینکه بگوییم: در اینجا میسر به معنای عمل قمار است،

دلیل احتمال اول

مرجح شاهد همان اصالة الحقيقة است کسی بگوید که معنای حقیقی میسر عمل قمار است و اصالة الحقيقة می‌گوید این لفظ در معنای حقیقی خود بکار رفته است؛ بنابراین اصالة الحقيقة اقتضا دارد که میسر را به معنای اول حمل بکنیم این عمده‌ترین دلیل برای قول و احتمال اول است.

تمامیت این دلیل متوقف بر این است که بگوییم معنای حقیقی فقط معنای اول است و معنای دوم یعنی ابزار و آلات قمار، معنای مجازی است، در این صورت امر دایر بین حقیقت و مجاز است نمی‌دانیم که میسر به معنای اول حقیقی که (همان عمل) است یا به معنای (ابزار و آلات) که مجازی است.

قاعده اصولی و عقلایی در مقام تردید بین معنای حقیقی و مجازی، اجرای اصل اصالة الحقيقة است، اصالة الحقيقة می‌گوید معنا این است، (مثل اینکه کلمه اسد بکار رفته است نمی‌دانیم مراد همان شیر حیوان مفترس است که معنای حقیقی است یا رجل شجاع است که معنای مجازی است؟ اصالة الحقيقة می‌گوید اولی است) اینجا هم اصالة الحقيقة می‌گوید اولی است.

استدلال به اصالة الحقيقة در اینجا متوقف بر این است که ما بگوییم معنای اول حقیقی است و معنای دوم مجازی است.

اما در این مسئله جای تردید بود ممکن است کسی بگوید هر دو معنا، معنای حقیقی است و لفظ میسر، مشترک لفظی بین عمل و آلات است، اگر کسی این نظر را بپذیرد اصالة الحقيقة کارایی ندارد، برای اینکه مشترک لفظی، در مقامی که مردد بین دو معنای حقیقی باشد اثری ندارد؛ و اگر قرینه معینه‌ای نباشد مشترک لفظی اجمال پیدا می‌کند.

البته در اینجا اشتراک لفظی از نوع متباینین است، قبلاً عرض کردیم که اشتراک لفظی گاهی بین دو معنای اقل و اکثر است آنجا ما باید قدر متیقن را أخذ بکنیم منتهی اکثرش مشکوک است. گاهی مردد بین متباینین است که می‌شود مجمل. اگر کسی نظر دیگر را بپذیرد که این‌ها دو تا معنای حقیقی است این استدلال کنار می‌رود و چون وضوحی پیدا نشد به اینکه معنای دوم معنای حقیقی نیست، این احتمال هم وجود داشت در لغت



هم آمده است و بخصوص اگر روایات را هم ببینید کمی به ذهن انسان نزدیک می‌آید که میسر به معنای آلات و ادوات هم معنای درستی است.

از این جهت است که دلیل برای قول اول اصالة الحقیقة است ولی این استدلال متوقف بر این است که بگوییم معنای اول حقیقت و معنای دوم مجاز است اگر نتوانیم این را احراز بکنیم یا اطمینان پیدا بکنیم این استدلال و استشهاد خیلی تام نیست.

وضع که وضع تعینی است در معنای بسیاری از مشترکات لفظی ابتدا با یک علقه مجازی بوده است و با کثرت استعمال، لفظ در آن معنا هم ظهور پیدا کرده است بدون قرینه هم می‌شود بکار برود این وضع‌های تعینی است.

این احتمال اول و دلیلش که علی‌رغم اینکه کمی ترجیح دادیم که حقیقت معنای اول است و دوم مجاز است در عین حال بی‌تردید نیست، اگر کسی به آن اطمینان داشته باشد این دلیل تمام است.

البته این نکته را هم باید توجه بکنید اصالة الحقیقة در جایی است که قرینه بر مجازی پیدا نشود که این هم باید در ادله بعدی ببینیم. ممکن است بگویید حتی اگر معنای حقیقی هم باشد ادله آینده برای احتمال دوم، قرائن صارف‌های وجود دارد که این را از معنای حقیقت به مجاز صرف می‌کند، این احتمال اول و دلیل آن بود.

این احتمال اول بود و شاهد آن و تردیدی که در آن وجود دارد، گرچه بنا بر یک نظر هم می‌توان آن را پذیرفت اما همیشه اصالة الحقیقة مراعات و متوقف بر این است که قرائن صارف به معنای مجازی نباشد و لذا باید احتمالات بعدی را هم بررسی کنیم.

۲- احتمال دوم این بود که میسر در اینجا به معنای ابزار و ادوات قمار باشد.

دلیل احتمال دوم

برای این احتمال هم می‌شود شواهدی ذکر کرد:

شاهد اول: سیاق آیه

اولین شاهد سیاق آیه است آیه یک سیاقی دارد که معنای دوم را به ذهن تقریب می‌کند، با این بیان که در این آیه شریفه چهار کلمه به عنوان مبتدای جمله آمده است یکی خمر، میسر، انصاب و چهارمی ازلام، غیر از میسر همه آن‌ها اشیاء خارجی هستند نه اعمال.



خمر مایع مسکر است، انصاب اوئان است، چوب و سنگی است که می‌تراشند باز اعیان است، ازلام همان قداح و آن سهامی است که اعیان خارجی است و در نوعی از قمار بکار می‌رفته است در عصر جاهلی و در میان عرب متداول بوده است.

خمر و انصاب و ازلام همه اعیان خارجی‌اند و میسر هم در عداد آن‌ها ذکر شده است بخصوص اینکه در آخر نیامده که بگوییم تا اینجا اعیان بوده است حالا جدا شد، وسط این‌ها قرار گرفته است پس سیاق آیه به‌ویژه با توجه به اینکه میسر در میانه خمر و دو امر دیگری قرار گرفته است و آن دو امر دیگر هم دال بر اعیان هستند این موجب می‌شود بگوییم سیاق خودش یک دلیل می‌شود که میسر هم مثل بقیه، اعیان و اشیاء خارجی است، اگر میسر در اعیان و اشیاء خارجی به کار نرفته بود سیاق نمی‌توانست کاری بکند ولی به معنای آلات قمار به کار رفته است (إما بنحو الحقیقة أو بنحو المجاز) ولی میسر در آلات و ادوات مستعمل است، پس سیاق می‌گوید که مقصود از میسر در اینجا اعیان است یعنی آنچه با آن قمار انجام می‌شود مقصود است.

در صورت حقیقی بودن دو معنا است سیاق اینجا قرینه معینه می‌شود، یعنی لفظ میسر دو معنای حقیقی دارد یکی فعل القمار، یکی آلات القمار، لفظ مشترک برای دو معنا وضع شده است، اجمال دارد قرینه معینه می‌گوید مقصود این است، سیاق می‌تواند قرینه معینه باشد.

در صورتی که به معنای دوم، یعنی مجاز است، سیاق قرینه صارفه می‌شود، پس سیاق یک قرینه‌ای می‌شود برای تعیین مراد از میسر و اینکه از آن آلات قمار اراده شده است، این قرینه یا قرینه معینه است بر مبنای این که بگوییم لفظ مشترک است و قرینه صارفه است، بنابراین که بگوییم معنای دوم مجاز است.

و در صورتی که مشترک لفظی باشد قرینه معینه بودن راحت‌تر از صارفه بودن است، برای اینکه قرینه معینه اجمال را رفع می‌کند راحت با یک قرینه می‌شود بگوییم که این کلمه، (مثلاً عین)، این معنا دارد این معنا دارد با یک شاهد مناسبی می‌گوییم که معنای آن با این قرینه این شد. اینجا هم می‌گوییم یک معنای این کلمه عمل قمار است و معنای دیگر آن آلة القمار است با یک شاهی که اینجا سیاق باشد می‌گوییم مقصود معنای دوم (معینه) است

ولی اگر حقیقت و مجاز باشد در این صورت یک مقدار زور بیشتری می‌خواهد، برای اینکه قرینه صارفه می‌خواهد مقابل اصالة الحقیقه قد علم بکند درحالی که قرینه معینه فقط رفع اجمال می‌کند، با اندک شاهی می‌گوییم اجمال رفع شد. ولی درجایی می‌خواهیم معنای مجازی بگوییم اصل و روند طبیعی اصالة الحقیقه است می‌خواهد جلوی یک اصل عقلایی محکم مقاومت بکند، یک مقدار دشوارتر است ولی علی‌ای حال استدلال



این است که سیاق اینجا قرینه است بر اراده آلات قمار از کلمه میسر، با بیان اینکه بقیه چهار امر اعیان است این هم باید اعیان باشد. اعیان در اینجا هم آلات القمار است البته آن معنای سومی هم که در یک روایت آمده بود (آن مالی که می‌گیرد) اعیان است که گفتیم حتماً مجاز است و کم بکار رفته است.

این یک شاهد است که از این حیث محل کلام است که بحث سیاق در اصول خیلی مورد تأمل و مورد اختلاف است. مرحوم علامه طباطبایی هم در مواردی از تفسیرشان به این مسئله اشاره کرده‌اند و دیدگاه‌ها متفاوت است بعضی به سیاق خیلی اعتماد داشتند و سیاق را خیلی مهم می‌دانستند بعضی هم برای سیاق ارزشی قائل نیستند دیدگاه‌های میانه‌ای هم وجود دارد که نمی‌شود قاعده کلی داد که سیاق هر جایی یک اقتضایی دارد باید مورد به مورد بحث سیاق را بررسی کرد.

سؤال: این بحث در کجا آمده است؟

جواب: سیاق یک بحث مستقل در اصول ندارد ضمن مباحث مختلف اصول دارد مرحوم طباطبایی در چند جای المیزان این را بحث کرده است در مباحث اطلاق یا در حدیث رفع، بحث می‌شود در فقه هم موارد مختلفی داریم که مورد بحث قرار می‌گیرد سیاق از آن بحث‌های بسیار مهمی است که مورد توجه قرار گرفته است ولی همه در تضاعیف کلمات، جای مستقل بحث نشده است بحث عمده سیاق این است که نه می‌شود به راحتی کنار گذاشت نه می‌شود به راحتی همه‌جا پذیرفت و در اینجا هم اگر کسی مشترک لفظی بگوید سیاق قرینه معینه خوبی است ولی اگر مشترک لفظی نگوید در حدی که قرینه صارفه باشد تردید داریم.

شاهد دوم: روایات

شاهد اول سیاق بود شاهد دوم روایاتی است که ذیل آیه وارد شده است اگر به کتاب التجارة ابواب ما یکتسب به مراجعه کنید چند باب هست که با بحث قمار ربط دارد مجموعاً این روایات قمار را در این چهار باب می‌توانید ببینید باب ۳۵ باب ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲.

۱- روایت ابی الجارود

در این ابواب چند جا می‌توانید روایت پیدا کنید که چند تا روایت وجود دارد که میسر را به معنای آلات تفسیر کرده است از جمله روایت ۱۲ باب ۱۰۲، در آنجا دارد که علی بن ابراهیم فی تفسیره عن ابی الجارود



دارد که از امام باقر سلام الله علیه هست ذیل همین آیه شریفه، حضرت فرمودند: «أَمَّا الْخَمْرُ فَكُلُّ مُسْكِرٍ مِنَ الشَّرَابِ ... وَأَمَّا الْمَيْسِرُ فَالنَّرْدُ وَالشُّطْرَنْجُ»^۱

نرد و شطرنج است. نرد و شطرنج همان اعیان خارجی است و ذیلش هم دارد که «قَرَنَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَالْمَيْسِرَ مَعَ الْأَوْثَانِ»^۲ آنجا هم باز ظهور در این دارد که میسر همان اعیان خارجی است آن وسایلی که با آن قمار می شود. البته سند این روایت محل اشکال است.

اگر کسی تفسیر علی بن ابراهیم را بپذیرد ابی الجارود هم مورد قبول است، سند را در آینده بحث می کنیم.

۲- روایت عبدالله بن جندب

روایت چهاردهم که عبدالله بن جندب از امام صادق علیه السلام نقل می کند که «الشُّطْرَنْجُ مَيْسِرٌ وَالنَّرْدُ مَيْسِرٌ»^۳.

۳- روایت اسماعیل جعفی

روایت پانزدهم هم باز از اسماعیل جعفی است که (البته سند هیچ کدام تام نیست) دارد که «الشُّطْرَنْجُ وَالنَّرْدُ مَيْسِرٌ»^۴. این سه روایت در باب ۱۰۲ که می گوید این ها میسر است میسر را خود اعیان خارجی می گیرد.

۴- روایت ابو بصیر

در باب ۱۰۴ هم چند روایت است که یکی روایت ابو بصیر است عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي تَجْرَانَ عَنْ مِثْنَى الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، (این هم به خاطر سهل بن زیاد اعتبارش تام نیست) امام صادق

۱ - وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص: ۳۲۱.

۲ - همان.

۳ - همان.

۴ - همان، ص: ۳۲۲.



علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند که ایشان فرموده اند: «النَّردُ وَ الشَّطْرَنْجُ هُمَا الْمَيْسِرُ»^۵. اینجا هم میسر را باز به معنای خود آلات تفسیر می کند. (که روایت دوم بود).

۵- روایت عبدالله بن جندب

روایت بعدی روایت عبدالله بن جندب است عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «الشَّطْرَنْجُ مَيْسِرٌ وَ النَّردُ مَيْسِرٌ»^۶ که به یک سند دیگری مرفوعه آمده است، عمن أخبره آمده است. (این هم معتبر نیست) ولی اینجا هم دارد «الشطرنج و النرد میسر» باب ۱۰۴. سه روایت قبلی در باب ۱۰۲ بود این در باب ۱۰۴.

۶- روایت عبد الملک قمی

روایت بعدی، روایت عبد الملک قمی است (که سند آن خالی از ضعف نیست) چون در آن محمد بن سنان است. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَنَانٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الْقُمِيِّ قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَ إِدْرِيسُ أَخِي عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع - فَقَالَ إِدْرِيسُ جُعِلْنَا فِدَاكَ مَا الْمَيْسِرُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: «هِيَ الشَّطْرَنْجُ» العبد الملک القمی می گوید که با برادرم محضر حضرت مشرف شده بودیم از قم رفته بودند و از امام صادق سؤال کرد علیه السلام که ما المیسر؟ حضرت فرمود: «هِيَ الشَّطْرَنْجُ» اینجا بیانش روشن تر از آنجا هست که می گوید ما المیسر؟ حضرت می فرماید شطرنج و حالت تفصیلی دارد، لغت را معنا می کند، بعد می گوید: قُلْتُ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّهَا النَّردُ، بعضی می گویند مقصود نرد است، حضرت می فرماید: «وَ النَّردُ أَيْضاً»^۷. معلوم می شود که همه آلات قمار مقصود است.

(این انصراف به این ندارد که وقتی می گوییم شطرنج یا نرد یعنی شطرنج بازی؟)
آن یک نکته ای است که عرض می کنم.

۷- روایت ابراهیم بن عنبسه

^۵ - همان، ص: ۳۲۴.

^۶ - همان.

^۷ - همان.



در روایت ابراهیم بن عنبسه که در تفسیر عیاشی است عَنْ حَمْدَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، این هم سندش مشکل دارد، مرحوم عیاشی متأسفانه سندها را مقطوع کرده است، با اینکه روایات خیلی مهم و جالبی در تفسیر عیاشی آمده است اما دو تا نقصی که دارد یکی همین مقطوع بودن اسناد است و یکی اینکه کل قرآن هم نیست، این هم از تفسیر عیاشی است که سند دارد، مکاتبه است، کَتَبَ اِبْرَاهِيمُ بْنُ عَنبَسَةَ از حضرت پرسید که «فَمَا الْمَيْسِرُ؟» حضرت فرمود: «كُلُّ مَا قَوْمِي بِهِ»^۸. هر آلت و ادواتی که با آن قمار انجام بشود شطرنج است.

۸- روایت علی بن جعفر العریضی

روایت علی بن جعفر العریضی هم دارد که «النَّرْدُ وَالشَّطْرَنْجُ مِنَ الْمَيْسِرِ»^۹. تقریباً هفت هشت تا روایت شد،

بررسی روایات

این مجموعه روایات ولو اینکه عمدتاً شاید جز یکی یا دو تا هیچ کدام سندی نداشته باشد قاعدتاً بعید است که آن‌ها هم تمام باشد، اما با دو بیان می‌شود به این‌ها اعتماد کرد:

- اولاً: کثرت این حدود ده روایت در یک موضوعی که نوعی اطمینانی می‌آورد، این یک جهت از روی مبانی که قبلاً می‌گفتیم که با مبانی قدما سازگارتر است. (از آن خطکشی‌هایی که متأخرین و بعضی بزرگان انجام دادند ما هم آن خطکشی‌ها در باب رجال را قبول داریم یعنی مراجعه به کتب رجال و توثیق و تصحیح و تضعیف و این‌ها)، علاوه بر آن تعدد روایات با شرایطی موجب یک نوع اطمینان روایت می‌شود و معتبر می‌شود.

- ثانیاً: به این دلیل می‌شود به این روایات اعتماد کرد که نکته ظریف و دقیقی در اینجا است که گاهی روایت می‌خواهد یک حکمی را بیان بکند که باید سندش را ببینیم ولی یک وقتی هست که روایت یک لغتی را معنا می‌کند که بی‌ریشه در کتب لغت نیست تعبدی آن چنانی هم نیست و خیلی لازم نیست سند هم داشته باشد، فرض بگیریم روایات از امام نباشد بالاخره یک عربی این‌ها را گفته است، در فضای زبان عربی و محاوره عرب این امر، امر مقبولی بوده است و بر این اساس باید توجه کنیم که تأکید بر

^۸ - وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص: ۳۲۶.

^۹ - همان.



صحت وثوق روایات درجایی است که ما می‌خواهیم یک امر تعبدی خاصی را از امام استفاده بکنیم اما درجایی که در روایات لغتی را معنا می‌کند و معلوم نیست جنبه تعبدی هم در آن باشد برای اینکه میسر به معنای آلات قمار یک چیز جدیدی نیست و در خود کتب لغت هم بکار می‌رود از این جهت دقت‌های سندی در روایاتی که یک لغتی را معنا می‌کند و یا لغتی در آن روایات بکار رفته است که ما می‌خواهیم استشهاد بکنیم لزومی ندارد. عین این است که برای فهم لغت عرب به دیوان متنبی یا کتب ادباء عرب مراجعه می‌کنیم اینجا لازم نیست که سند و این‌ها را ببینیم، بالاخره این در این متن ادبی آن زمان به کار رفته است، یک متن درستی هم بوده است. با بیان این دو جهت به نظر می‌آید که در پذیرش این معنا در آیه نباید تردید بکنیم.

در حدود ده روایت که می‌گوید که میسر به معنای دوم یعنی آلات قمار و شطرنج است می‌شود به این‌ها اعتماد کرد.

مناقشات سندی

ممکن است کسی در این روایات اشکال بکند و بگوید که این روایات می‌گوید آیه در این‌ها بکار رفته است اما معلوم نیست که این معنای حقیقی باشد باید گفت که آیه به این معنا استعمال شده است حالا حقیقت باشد یا مجاز باشد کاری نداریم، مراد خداوند سبحان از میسر در آیه شریفه این معناست حالا این معنای حقیقت باشد یا معنای مجازی باشد، حقیقت و مجاز و اصالة الحقيقة همه پلی است برای اینکه مراد را کشف بکنیم اینجا مراد تعیین شده است حالا به نحو الحقيقة یا به نحو المجاز، برای ما مهم نیست.

- ۱- اشکال اول این بود که روایاتش معتبر نیست به دو جهت جواب دادیم که می‌شود به این‌ها اعتماد کرد.
- ۲- اشکال دومی که می‌شود کسی بکند این است که اینجا معلوم نیست که به نحو حقیقت استعمال شده باشد شاید مجاز باشد، می‌گوییم آن‌هم مهم نیست حدود ده روایت می‌گوید معنایش این است حقیقت باشد یا مجاز باشد این‌ها، مقدمه است معنا که کشف شد شکلش هر طوری می‌خواهد باشد.

یادآوری بحث اصولی

در اصول مرحوم صاحب کفایه می‌فرماید که اصول لفظیه و از جمله اصالة الحقيقة برای تعیین مراد است نه کیفیت اراده، این جمله‌ای است که در کفایه هم خالی از دقت نبود می‌گوید اصالة الحقيقة اصل عقلایی برای



تعیین مراد است نه برای کیفیت اراده، معنای این جمله این است که اصالة الحقیقه درجایی است که اسد در جمله‌ای آمده معلوم نیست به چه معنایی است رجل شجاع یا حیوان مفترس؟ اصالة الحقیقه شک شما را در اینکه چه اراده شده است رفع می‌کند می‌گوید اینجا مقصود همان حیوان مفترس است؛ اما اگر با یک قرینه‌ای می‌دانید که اینجا اسد به معنای رجل شجاع است اما نمی‌دانید از نظر لغوی، معنای حقیقی است یا مجازی، اینجا اصالة الحقیقه نمی‌گوید که این معنایی که می‌دانید چیست؟ بگوییم معنا حقیقت است معنا که شد حقیقت، اگر یک جای دیگر هم که مراد را نمی‌دانی بگویی آنجا هم معنا همین است این برد را ندارد. این جمله در بسیاری از در روایات و جاهای مختلف باید مورد توجه باید باشد اصول لفظیه از جمله اصالة الحقیقه، انما وضع لتعین المراد عند الشک فی المراد لا لتعین أن المعنی حقیقة بعد فرض معلومیة المراد. می‌دانیم اینجا یک قرینه است و یقین داریم که معنا این است ولی نمی‌دانیم که معنای حقیقی آن است یا معنای مجازی آن، اینجا اصول لفظیه جاری نمی‌شود. در این روایات میسر، به آلات قمار تفسیر شده است، اگر شک داریم که معنا حقیقت است یا مجاز است اینجا اصالة الحقیقه نمی‌تواند بیاید بگوید معنا حقیقت است ولی این روایات مراد را معلوم کرده است.

در کفایه مرحوم صاحب کفایه یک جمله دارد، می‌گوید اصالة الحقیقة فقط برای تعیین مراد است نه لکیفیه الارادة، معنای آن این بود. این خروج از بحث بود گر چه بی‌ارتباط نبود و کمی بیشتر توضیح دادیم.

سؤال: «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» چطور توجیه می‌شود؟

جواب: در انصاب چطور «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» را توجیه می‌کنیم، می‌گوییم بت‌ها «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» است همیشه به خاطر این است که عمل به آن تعلق می‌گیرد ولی مقصود این است.

سؤال: من عمل الشیطان می‌گوید یعنی اینکه اعمال این‌ها مقصود است؟

جواب: نه من عمل الشیطان یعنی می‌گوید خود این ابزار و ادوات از عمل شیطان است یعنی با وسوسه او ساخته شده است دیروز این‌طور توجیه کردیم.

این معنای دوم که اینجا هست که شواهد آن نسبتاً قوی‌تر است حدود ده روایت می‌گوید میسر، آلات قمار است نمی‌شود توجیه کرد که مقصود خود قمار است و این مجازاً می‌گوید که آلات قمار است.

ظهور معنای دوم، ظهور خوبی است مؤکد این هم سیاق است.

بنابراین در اینجا سیاق به اضافه روایات، اطمینانی می‌آورد که میسر اینجا در معنای آلات قمار هم بکار رفته است.

سؤال: اجتنبوا چه؟



اجتنبوا با هر دو معنا سازگار است.

«اجتنبوا الرجس من الاوثان»، اجتناب متعلق به اعیان هم در قرآن زیاد داریم نه مورد آمده بعضی هایش اوثان است بعضی افعال است هم «اجتنبوا الکبائر» داریم که اعمال است هم «اجتنبوا الاوثان» داریم که اعیان است قرینیت برای هیچ طرف ندارد.

کار به حقیقت و مجاز نداریم می‌گوییم معنای میسر این است حقیقت باشد یا مجاز، ولی در آن بحث می‌گفتیم تردید داریم که معنای آلات در میسر حقیقت یا مجاز است شهادت شهود، آن را به حقیقت نزدیک‌تر می‌کند. دلیل نیست چون کیفیت اراده این‌ها دلالت ندارد ولی تا حدی آن را تقویت می‌کند.

بقیه هم سیاق نمی‌تواند باشد برای اعمال؟

حالا شما چیزی پیدا بکنید خوب است ولی من در همه این آیات خیلی دقت کردم که ببینم شاهی می‌شود پیدا کرد چندین چیز به ذهنم آمده است همه‌اش جواب داشته است چون ضعفش واضح بود طرحش نکردم.

سؤال: خمر و میسر خودش می‌تواند عداوت ایجاد کند؟

جواب: خود این آلات موجب فساد است، حقیقتاً به آن نسبت داده می‌شود.

معنای دوم از شواهد قوی‌تری برخوردار است یعنی مجموعه سیاق و روایات حتی اگر بگوییم معنای اول حقیقت است و معنای دوم مجاز است باز هم این مجموعه قرائن می‌تواند قرائن صارفه باشد بگوید مقصود معنای مجازی است.

قول مختار

تا اینجا ما احتمال دوم را در آیه ترجیح می‌دهیم که با سیاق هم سازگارتر است.

در احتمال سوم، ممکن است کسی قائل بشود به اینکه ما همه آنچه در وجه دوم گفته شد برای اثبات اینکه میسر یعنی آلات قمار همه‌اش را قبول داریم، اما در اینجا قائلیم به اینکه میسر هم آلات را می‌گیرد هم خود عمل فرامی‌گیرد (به نحو مشترک لفظی)، یعنی لفظ در اینجا در دو معنا به‌کاررفته است، وقتی قرآن می‌فرماید میسر، رجس من عمل الشیطان، یعنی هم آن آلات، هم این فعل و این مشترک لفظی است. در دو معنا به‌کاررفته و استعمال لفظ هم گفته است این از نظر کبروی، استعمال لفظ در اکثر از معنا، چه دو معنای حقیقی باشد چه دو معنای مجازی باشد چه یکی حقیقت باشد یکی مجاز باشد همه فروض گفته شده که ثبوتاً جایز است اما اثباتاً دلیل می‌خواهد و ممکن است کسی بگوید که ما در اینجا الزامی نداریم که این شواهد و قرائن بر معنای دوم را



مؤسسه اشراق و عرفان

شماره شصت: ۲۵۷۸

بر حصر، حمل بکنیم هیچ کدام این روایات نگفته است که بیاید این ها را حصر بکند بنابراین این روایات از ظهور لفظ در معنای خودش، منع نمی کند بلکه می گوید به این معنا هم بکار رفته است، این هم یک احتمالی است که فردا انشاء الله عرض می کنیم.

((و صلی الله علی محمد و اله الطاهرین))